رویش روان شناسی، سال۱۵، شماره ۶، شماره پیاپی ۱۲۳، شهریور ۱۴۰۵
Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal(RRJ),15(6), 2026

رابطه بین دلبستگی خانواده و دلبستگی همسالان با گرایش به بزهکاری با میانجی‌گری تاب‌آوری و دینداری در دانش آموزان دختر

The relationship between family attachment and peer attachment with delinquency tendency mediated by resiliency and religiosity in female students

فاطمه محمدجانی
کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
خالد اصلانی (نویسنده مسئول)
دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
عباس امان‌الهی
استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی تاب‌آوری و دینداری در رابطه دلبستگی خانواده و همسالان با تمایل به بزهکاری دانش آموزان دختر بود. روش پژوهش توصیفی_همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه‌ی آماری شامل دانش‌آموز دختر دبیرستان‌های شهر اهواز در سال ۱۴۰۳ بود که از بین آنها ۲۰۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های گرایش به رفتارهای بزهکارانه (TDB؛ زاهد زاهدانی و الماسی، ۱۳۸۶)، دلبستگی به والدین و همسالان (IPP-A؛ آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۷۸)، تاب‌آوری (CD-RIS؛ کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳)، و دینداری (CS-RQ؛ آرین، ۱۳۷۷)، استفاده شد. داده ها با استفاده از روش تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد مدل نهایی از برازش مناسبی برخوردار بود و دلبستگی ایمن به خانواده و همسالان به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با گرایش به رفتارهای بزهکارانه رابطه داشتند (P<۰/۰۵). همچنین، تاب‌آوری و دینداری نقش میانجی معناداری در رابطه بین دلبستگی و گرایش به بزهکاری ایفا کردند (P<۰/۰۵). به‌طورکلی، یافته‌ها حاکی از آن بود که دلبستگی ایمن از طریق تقویت منابع درونی و معنوی، می‌تواند به کاهش گرایش به رفتارهای بزهکارانه در دانش‌آموزان دختر منجر شود.

واژه‌های کلیدی: *دلبستگی خانواده، دلبستگی همسالان، تاب‌آوری، دینداری، بزهکاری.*

Fatemeh Mohammadjani
M.A in School Counseling, Department of Counseling, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
Khaled Aslani *
Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. *kh.aslani@scu.ac.ir*
Abbas Amanalahi
Professor, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Abstract

The present study aimed to investigate the mediating role of resilience and religiosity in the relationship between family and peer attachment and delinquency tendencies of female students. The study used a descriptive-correlational path analysis. The statistical population included female high school students in Ahvaz in 2024, from which 200 students were selected as a sample using cluster sampling. To collect data, questionnaires were used for the tendency to delinquent behaviors (TDB; Zahed Zahedani and Almasi, 2007), attachment to parents and peers (IPP-A; Armsden and Greenberg, 1978), resilience (CD-RIS; Connor and Davidson, 2003), and religiosity (CS-RQ; Arian, 2008). We analyzed the data using path analysis. The results showed that the final model had a good fit and that secure attachment to family and peers was directly and indirectly related to the tendency to delinquent behavior (P<0.05). Also, resilience and religiosity played a significant mediating role in the relationship between attachment and the tendency to delinquent behavior (P<0.05). In general, the findings indicated that secure attachment, through strengthening internal and spiritual resources, can lead to a decrease in the tendency to engage in delinquent behaviors in female students.

Keywords: *Family Attachment, Peer Attachment, Resiliency, Religiosity, Delinquency.*

نوع مقاله: پژوهشی | **دریافت:** آبان ۱۴۰۴ | **پذیرش:** بهمن ۱۴۰۴ | **ویرایش نهایی:** شهریور ۱۴۰۵

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

مقدمه

جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری با افزایش چالش‌های رفتاری، هیجانی و روانی‌اجتماعی در میان نسل نوجوان مواجه است؛ نسلی که در حساس‌ترین مرحله تحول روانی ـ اجتماعی، یعنی گذار از کودکی به بزرگسالی، قرار دارد و بنیان‌های هویت فردی، اجتماعی و اخلاقی خود را شکل می‌دهد. این دوره با تعارض‌های متعدد درونی و بیرونی همراه است؛ از یک‌سو نوجوانان در پی استقلال و خودمختاری‌اند و از سوی دیگر نیازمند تعلق، امنیت و پذیرش از سوی خانواده و گروه همسالان هستند (فاگان[1] و همکاران، ۲۰۲۵). در چنین شرایطی، فشارهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مسیر سازگاری یا ناسازگاری رفتاری نوجوانان را به‌طور جدی تحت تأثیر قرار دهد و آنان را در معرض رفتارهای پرخطر و بزهکارانه[2] قرار دهد (منوچهری و همکاران، ۲۰۲۵). گرایش به بزهکاری[3]، به‌عنوان یکی از شاخص‌های ناسازگاری رفتاری در نوجوانان، پدیده‌ای چندوجهی است که تعامل عوامل روان‌شناختی، خانوادگی و محیطی در آن نقش دارد. بزهکاری معمولاً پاسخی است به ناکامی روانی، کمبود محبت، ضعف کنترل هیجانی و فشارهای اجتماعی (روسادو و آلمیدا[4]، ۲۰۲۵). بزهکاری در دوران نوجوانی صرفاً مجموعه‌ای از رفتارهای هنجارشکنانه یا قانون‌گریز نیست، بلکه بازتابی از اختلال در فرایندهای اساسی رشد روانی ـ اجتماعی، تنظیم هیجانی و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی تلقی می‌شود. بسیاری از رفتارهای بزهکارانه در این دوره، کارکردی جبرانی دارند و تلاشی ناهشیار برای پاسخ‌گویی به نیازهای ارضانشده هیجانی، تجربه طرد، احساس بی‌قدرتی یا ناکامی‌های مزمن فردی و اجتماعی محسوب می‌شوند (فاگان و همکاران، ۲۰۲۵). در این چارچوب، بررسی متغیرهای محافظتی که می‌توانند گرایش به رفتارهای بزهکارانه را کاهش دهند، برای برنامه‌ریزی‌های آموزشی و پیشگیرانه ضروری است.

در این راستا، خانواده به‌عنوان نخستین و پایدارترین نظام اجتماعی، نقشی تعیین‌کننده در اجتماعی‌شدن، انتقال ارزش‌ها و شکل‌گیری الگوهای رفتاری نوجوان ایفا می‌کند. کیفیت دلبستگی میان والدین[5] و فرزندان، بستر احساس امنیت، اعتماد و پذیرش هیجانی را فراهم می‌سازد و نقشی اساسی در تنظیم هیجانات و کنترل رفتار دارد (سالادینو[6] و همکاران، ۲۰۲۵). شواهد پژوهشی نشان می‌دهند که دلبستگی ایمن به والدین با کاهش رفتارهای پرخطر و گرایش به بزهکاری در نوجوانان رابطه معنادار دارد (منوچهری و همکاران، ۲۰۲۵؛ پرز[7] و همکاران، ۲۰۲۵؛ جیانگ[8] و همکاران، ۲۰۲۵). در مقابل، ضعف یا گسست در پیوندهای خانوادگی می‌تواند احساس طرد، بی‌پناهی و فقدان حمایت هیجانی را در نوجوانان تشدید کرده و آنان را به سمت منابع جایگزین تأیید، به‌ویژه گروه‌های همسال با هنجارهای ناسازگار، سوق دهد (فریمون[9] و همکاران، ۲۰۲۳). با این حال، تمرکز صرف بر خانواده برای تبیین بزهکاری نوجوانان، می‌تواند تصویری ناقص از این پدیده ارائه دهد.

در کنار خانواده، گروه همسالان یکی از مهم‌ترین بسترهای اجتماعی‌شدن در دوره نوجوانی است؛ به‌گونه‌ای که همسالان در این مرحله، نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی نگرش‌ها، رفتارها و تصمیم‌گیری‌های اخلاقی نوجوانان ایفا می‌کنند (تریالت[10] و همکاران، ۲۰۲۴). ارتباط نزدیک با گروه‌های همسال می‌تواند به رشد مهارت‌های ارتباطی[11] و حمایت هیجانی[12] منجر شود، ولی در برخی موارد، فشار گروهی و نیاز به تأیید اجتماعی می‌تواند فرد را به انجام رفتارهای انحرافی سوق دهد (ذاکری هرندی و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین، نوع دلبستگی به همسالان[13] نیز همانند دلبستگی خانوادگی، تأثیری دوگانه دارد: در صورت حمایت‌گر بودن روابط، موجب سازگاری[14] و رشد اجتماعی[15] می‌شود، اما اگر مبتنی بر هنجارهای ناسالم باشد، احتمال گرایش به بزهکاری را افزایش می‌دهد (منیر و مالک، ۲۰۲۰) نتایج پژوهش‌ها نشان داده دلبستگی همسالان می‌تواند منجر به افزایش بزهکاری در نوجوانان گردد (تریالت و همکاران، ۲۰۲۴؛ گوئو[16]، ۲۰۲۲).

1. Fagan
2. criminal
3. propensity to commit crime
4. Rosado & Almeida
5. quality of attachment between parents
6. Saladino
7. Perez
8. Jiang
9. Freemon
10. Therriault
11. communication skills
12. emotional support
13. attachment to peers
14. compatibility
15. social growth
16. Guo

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

بزهکاری نوجوانان یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های تربیتی و اجتماعی است که تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی شکل می‌گیرد. پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که کیفیت روابط دلبستگی با خانواده و همسالان، به‌عنوان دو منبع اصلی اجتماعی‌شدن در دوران نوجوانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌دهی به رفتارهای سازگارانه یا ناسازگارانه نوجوانان دارد (فریمون و همکاران، ۲۰۲۳؛ تریالت و همکاران، ۲۰۲۴). با این حال، شواهد تجربی حاکی از آن است که اثر دلبستگی‌های خانوادگی و همسالان بر گرایش به بزهکاری، همواره مستقیم و خطی نیست و اغلب از طریق سازوکارهای روان‌شناختی و ارزشی واسطه‌گری می‌شود (یانگ[1] و همکاران، ۲۰۲۶؛ جسلین[2] و همکاران، ۲۰۲۵). رویکردهای نوین در روان‌شناسی تحولی و اجتماعی تأکید دارند که برای تبیین رفتارهای پیچیده‌ای مانند بزهکاری، صرف شناسایی روابط مستقیم بین متغیرها کافی نیست؛ بلکه باید فرآیندهایی شناسایی شوند که توضیح دهند چگونه و از چه مسیری عوامل زمینه‌ای به رفتارهای پرخطر منجر می‌شوند. در این چارچوب، تحلیل مسیر و مدل‌های میانجی‌گری امکان شناسایی سازوکارهای درونی انتقال اثر را فراهم می‌کنند و به فهم عمیق‌تری از نقش عوامل محافظتی و خطر می‌انجامند (سوره و همکاران، ۱۴۰۴). بنابراین، بررسی نقش متغیرهای میانجی در رابطه بین دلبستگی خانواده و همسالان با گرایش به بزهکاری، از نظر نظری و کاربردی ضروری به نظر می‌رسد.

تاب‌آوری به‌عنوان ظرفیت روان‌شناختی برای غلبه بر تنش‌ها و حفظ سازگاری در موقعیت‌های دشوار، نقشی محوری در کنترل هیجانات و تصمیم‌گیری‌های رفتاری دارد (اونگار[3] و همکاران، ۲۰۲۴). نوجوانان تاب‌آور، هنگام مواجهه با شکست، محرومیت یا فشار گروهی، به‌جای واکنش‌های تکانشی و رفتارهای بزهکارانه، از استراتژی‌های سازنده استفاده می‌کنند (تومیتاو اونگوریانو[4]، ۲۰۲۴). بر تاب‌آوری به‌عنوان یک ظرفیت روان‌شناختی پویا، به توانایی فرد در سازگاری موفق با تنش‌ها، ناکامی‌ها و فشارهای محیطی اشاره دارد. بر اساس نظریه‌های دلبستگی، روابط ایمن و حمایتگرانه خانوادگی و همسالان، بستر اصلی شکل‌گیری تاب‌آوری در نوجوانان محسوب می‌شوند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دلبستگی ایمن به والدین و همسالان، با سطوح بالاتر تاب‌آوری، خودتنظیمی هیجانی و مهارت‌های مقابله‌ای سازگارانه همراه است (ارسلان[5] و همکاران، ۲۰۲۵؛ ماکانوویچ[6]، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، مطالعات متعددی به نقش میانجی تاب‌آوری و کاهش گرایش به رفتارهای بزهکارانه را گزارش کرده‌اند (منوچهری و همکاران، ۲۰۲۵؛ ماکانوویچ، ۲۰۲۲).

دینداری نیز یکی دیگر از سازه‌هایی است که در ادبیات پژوهش به‌عنوان عامل محافظ در برابر رفتارهای بزهکارانه شناخته می‌شود. از منظر نظریه‌های اجتماعی–کنترلی، پیوندهای عاطفی با خانواده و گروه همسالان سالم، زمینه‌ساز درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای اجتماعی و باورهای دینی در نوجوانان است (های[7]، ۲۰۲۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که دلبستگی قوی به خانواده با سطوح بالاتر دینداری، پایبندی اخلاقی و کنترل درونی همراه است (ساری[8] و همکاران، ۲۰۲۵). دینداری به‌عنوان یک سازه ارزشی–اخلاقی می‌تواند نقش میانجی در رابطه بین دلبستگی‌های والدین و همسالان و گرایش به بزهکاری ایفا کند (منیر و مالک، ۲۰۲۰؛ سالادینو و همکاران، ۲۰۲۴؛ نوافور[9] و همکاران، ۲۰۲۴).

با توجه به آنچه بیان شد، می‌توان گفت دلبستگی خانواده و دلبستگی همسالان نه‌تنها به‌صورت مستقیم، بلکه از طریق تقویت منابع درونی (تاب‌آوری) و درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی و معنوی (دینداری)، بر کاهش گرایش به بزهکاری در نوجوانان اثر می‌گذارند. بنابراین، بررسی نقش میانجی تاب‌آوری و دینداری در قالب یک مدل تحلیل مسیر، می‌تواند درک جامع‌تری از سازوکارهای روان‌شناختی و اجتماعی پیشگیری از بزهکاری در دانش‌آموزان دختر فراهم آورد و مبنایی علمی برای طراحی مداخلات تربیتی و پیشگیرانه ارائه دهد.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند برای نظام تعلیم‌وتربیت، مشاوران مدرسه، روان‌شناسان تربیتی و سیاست‌گذاران حوزه نوجوانان کاربردهای عملی داشته باشد. تبیین نقش میانجی تاب‌آوری و دینداری در رابطه بین دلبستگی خانواده و همسالان با گرایش به بزهکاری، زمینه طراحی برنامه‌های پیشگیرانه مبتنی بر تقویت روابط خانوادگی، آموزش مهارت‌های تاب‌آوری و ارتقای باورهای اخلاقی–معنوی را در مدارس فراهم می‌سازد. همچنین نتایج می‌تواند به مشاوران و مربیان کمک کند تا با شناسایی نوجوانان در معرض خطر، مداخلات هدفمندتری را با تمرکز بر منابع درونی و ارزشی نوجوانان اجرا کنند و در نهایت به کاهش رفتارهای بزهکارانه و ارتقای سلامت روان و

1. Yang
2. Jesline
3. Ungar
4. Tomita & Ungureanu
5. Arslan
6. Macanović
7. High
8. Sari
9. Nwafor

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

اجتماعی دانش‌آموزان دختر منجر شود. با توجه به موارد مطرح شده، هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی تاب‌آوری و دینداری در رابطه دلبستگی خانواده و همسالان با تمایل به بزهکاری دانش آموزان دختر بود.

روش

پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل دانش‌آموز دختر دبیرستان‌های شهر اهواز در سال ۱۴۰۳ بود. حجم نمونه مورد نیاز با توجه به پیشنهادات گارور و منتزر[1] (۱۹۹۹) و همچنین میانگین تبیین متغیر وابسته توسط جمع اثرات مستقیم حداقل ۲۰۰ نفر است، با این فرض ۲۳۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. از تعداد ۲۳۰ پرسشنامه توزیع شده ۲۰۰ پرسشنامه‌ی قابل تجزیه و تحلیل جمع‌آوری گردید. ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از رضایت آگاهانه جهت شرکت در پژوهش، عدم ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی و دریافت خدمات درمانی دارویی یا روان‌شناختی براساس خوداظهاری و ملاک‌های خروج از پژوهش نیز عدم گرایش به ادامه شرکت در پژوهش و پاسخ ندادن به بیش از پنج درصد سوال‌ها بود. در پرسشنامه‌ها برای پیش از اجرای پژوهش، مجوزهای لازم از اداره آموزش‌وپرورش اخذ شد. رضایت آگاهانه کتبی از دانش‌آموزان و اولیای آنان دریافت گردید. در فرم رضایت‌نامه، هدف پژوهش، محرمانه‌بودن اطلاعات، داوطلبانه‌بودن شرکت در پژوهش، حق انصراف در هر مرحله بدون پیامد منفی و نحوه استفاده پژوهشی از داده‌ها به‌طور شفاف توضیح داده شد. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات آنان به‌صورت ناشناس تحلیل می‌شود و نتایج صرفاً در قالب گزارش‌های کلی منتشر خواهد شد. همچنین اعلام شد در صورت تمایل، نتایج پژوهش پس از پایان مطالعه در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد. تمامی ملاحظات اخلاقی به‌منظور پیشگیری از آسیب‌های جسمی، روانی و عاطفی احتمالی رعایت شد. در نهایت، داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مسیر و با نرم افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزار سنجش

پرسشنامه گرایش به رفتارهای بزهکارانه[2] (TDB): پرسشنامه گرایش به رفتارهای بزهکارانه در سال ۱۳۸۶ توسط زاهد زاهدانی و الماسی به منظور ارزیابی و سنجش رفتارهای بزهکارانه نوجوانان تهیه و تدوین شده است. این پرسشنامه دارای ۲۳ گویه می‌باشد که طیف وسیعی از رفتارها را مورد سوال قرار می‌دهد و پاسخ‌دهندگان می‌بایست در یک طیف ۵ درجه‌ای (از کمترین تا بیشترین) به هر گویه پاسخ دهند. روایی محتوایی این ابزار در پژوهش سازندگان از طریق نظر خبرگان بررسی شده و شاخص روایی محتوایی (CVI) برابر با ۰/۸۷ گزارش گردیده است که نشان‌دهنده روایی محتوایی مطلوب پرسشنامه می‌باشد. همچنین، روایی سازه پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی تأیید شده و گویه‌ها بار عاملی مناسب (بیش از ۰/۴۰) بر روی عامل مربوطه نشان داده‌اند (زاهدزاهدانی و الماسی، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۹ بدست آمد.

سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان[3] (IPP-R): این سیاهه توسط آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۷۸) به منظور اندازه‌گیری میزان ادراک دلبستگی به والدین با همسالان در نوجوانان و بزرگسالان تهیه شده است. این سیاهه ۲۴ گویه است. ۱۲ گویه ادراک دلبستگی به والدین و ۱۲ گویه ادراک دلبستگی به همسالان را می‌سنجد. ادراک دلبستگی به والدین و همسالان هر کدام شامل سه بعد: ارتباطات، اطمینان و بیگانگی می‌باشد و هریک از این ابعاد خود مشتمل بر ۴ گویه می‌باشند. هر گویه در طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) قرار دارد. گویه‌های ۷ و ۱۹ به طور معکوس و سایر گویه‌ها به طور مستقیم نمره‌گذاری می‌شوند. کسب نمره بالا در این معادله نشان دهنده ادراک بیشتر دلبستگی ایمن به هر یک از والدین یا همسالان می‌باشد. روایی محتوایی و سازه‌ای این ابزار در مطالعه اصلی توسط آرمسدن و گرینبرگ (۱۹۷۸)، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی و بررسی همبستگی با مقیاس‌های عاطفی مرتبط تأیید شد؛ به‌گونه‌ای که نتایج نشان داد هر یک از ابعاد پرسشنامه، بار عاملی معنادار و مطلوبی بر سازه دلبستگی دارند.. پایایی بازآزمایی پرسشنامه طی فاصله سه‌هفته‌ای در نمونه دانش‌آموزان آمریکایی ۰/۹۳ برای دلبستگی به والدین و ۰/۸۶ برای دلبستگی به همسالان گزارش شده است (آرمسدن و گرینبرگ، ۱۹۷۸). روایی سازه‌ای نسخه فارسی پرسشنامه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA)

1. Garver & Mentzer
2. Delinquent Behavior Tendency Questionnaire
3. Inventory of Parent and Peer Attachment

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

در پژوهش کامگاری (۱۳۹۱) با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که ابزار از روایی سازه‌ای مطلوب در نمونه ایرانی برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که بارهای عاملی گویه‌ها همگی بالاتر از ۰/۴۰ گزارش شده‌اند. در پژوهش کامگاری (۱۳۹۱) ضریب آلفای کرونباخ دلبستگی به والدین و دلبستگی به همسالان به ترتیب برابر ۰/۷۸ و ۰/۷۹ به دست آمده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ دلبستگی به والدین و دلبستگی به همسالان به ترتیب ۰/۸۵ و ۰/۷۸ بدست آمد.

مقیاس تاب آوری [1] (CD-RSC): مقیاس تاب‌آوری را کانر و دیویدسون در سال ۲۰۰۳ تهیه کردند. این مقیاس دارای ۲۵ عبارت و ۵ مؤلفه است. نمره‌گذاری آن بر اساس طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً نادرست (۰) تا کاملاً نادرست (۴) انجام می‌شود.کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۸۹ و همبستگی این مقیاس را با مقیاس تحمل بلاتکلیفی ۰/۷۴ گزارش کرده‌اند. همچنین ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی در یک فاصله ۴ هفته‌ای ۰/۸۷ به دست آمده است. در ایران توسط بخشایش اقبالی و همکاران (۲۰۲۲) این مقیاس ترجمه و اعتباریابی شد، روایی به روش تحلیل عاملی تایید بررسی و ۲۵ آیتم در زیرمقیاس تایید شدند و همه سوالات بار عاملی بیش از ۰/۳۰ داشتند، همچنین پایایی به روش همسانی درونی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۹۴ محاسبه شد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۲ به دست آمد.

پرسشنامه‌ی دینداری [2] (CS-RQ): این پرسشنامه توسط آرین (۱۳۷۷) با هدف سنجش میزان دینداری فرد تدوین شده است. این ابزار یک مقیاس خودگزارشی شامل ۲۰ گویه است که پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۵) نمره‌گذاری می‌شوند. مجموع نمرات گویه‌های ۱ تا ۲۰، با وارونه‌سازی گویه‌های ۱۲ و ۱۷، نمره کلی دینداری را تشکیل می‌دهد؛ به‌طوری‌که نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح بالاتر دینداری است. از نظر پایایی، آرین (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای بر روی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، ضرایب پایایی این مقیاس را با استفاده از روش‌های آلفای کرونباخ (۸۹/۰)، گاتمن و اسپیرمن–براون (هر دو ۸۷/۰) گزارش کرد که نشان‌دهنده پایایی مطلوب ابزار است. در خصوص روایی سازه‌ای، آرین (۱۳۷۷) با بررسی همبستگی نمرات این پرسشنامه با یک شاخص کلی دینداری، ضریب همبستگی (p<۰/۰۱)، r =۰/۵۶ را گزارش نمود که حاکی از روایی سازه‌ای قابل قبول ابزار است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۹۰ بدست آمد.

یافته ها

در این مطالعه ۲۰۰ نفر مشارکت داشتند. شرکت کنندگان در میانگین و انحراف استاندارد سنی ۱۶/۶۷±۰/۸۶ قرار داشتند. ۳۴/۴ درصد دانش آموزان پایه دهم، ۴۳/۱ درصد پایه یازدهم و ۲۲/۵ درصد پایه دوازدهم بودند. در ادامه اطلاعات توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. یافته های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱-دلبستگی ایمن به والدین	-				
۲-دلبستگی ایمن به همسالان	۰/۳۹**	-			
۳-تاب آوری	۰/۳۵**	۰/۵۰**	-		
۴-دینداری	۰/۴۸**	۰/۴۵**	۰/۳۸**	-	
۵-گرایش به رفتار بزهکارانه	-۰/۴۳**	-۰/۴۱*	-۰/۳۶**	-۰/۳۹**	-
میانگین	۱۲/۴۴	۱۳/۰۲	۸۴/۱۳	۷۵/۰۳	۴۳/۶۲
انحراف معیار	۳/۳۴	۴/۵۲	۱۲/۹۸	۱۱/۳۹	۹/۲۶
کجی	-۰/۳۴	-۰/۴۵	۰/۱۲	۰/۵۳	۰/۳۴
کشیدگی	-۰/۱۲	-۰/۳۲	۰/۳۱	-۰/۶۳	۰/۵۲

(p** ≤۰/ ۰۱)

1. The Conor_Davidson Resilience Scale
2 . Centrality of Religiosity– Revised Questionnaire

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود شاخص های چولگی و کشیدگی در دامنه ۲ و ۲- قرار دارد که نشان دهنده این است که متغیرهادارای توزیع نرمال است. همچنین نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش نشان داد که گرایش به رفتار بزهکارانه با دلبستگی ایمن به والدین (r = -۰/۴۳)، دلبستگی ایمن به همسالان (r = -۰/۴۱)، تاب آوری (r = -۰/۳۶) و دینداری (r = -۰/۴۱) همبستگی منفی و معنادار دارد (P<۰/۰۵). بدین‌معنی که هر چه میزان نمرات دلبستگی ایمن به والدین، دلبستگی ایمن به همسالان، تاب آوری و دینداری افزایش پیدا کند میزان نمرات گرایش به رفتار بزهکارانه کاهش پیدا می کند و بالعکس. در ادامه، جهت بررسی نقش میانجی تاب‌آوری و دینداری در رابطه بین دلبستگی خانواده و دلبستگی همسالان و گرایش به بزهکاری در دانش آموزان دختر از روش تحلیل مسیر استفاده شد. قبل از استفاده از این آزمون، پیش فرض های آماری بررسی شدند. نتایج نشان داد که آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۲۷ بود؛ با توجه به اینکه این آماره در دامنه مطلوبیت ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد می توان گفت پیش فرض استقلال خطاها برقرار است. هم چنین هر چه مقدار تولرانس بیشتر (نزدیک به ۱) باشد، میزان هم خطی کمتر است؛ در این مطالعه میزان تولرانس متغیرهای پیش بین و میانجی بین ۰/۸۷ محاسبه شد که نشانگر وضعیت هم خطی مطلوب است. در شکل ۱، ضرایب مسیر بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است.

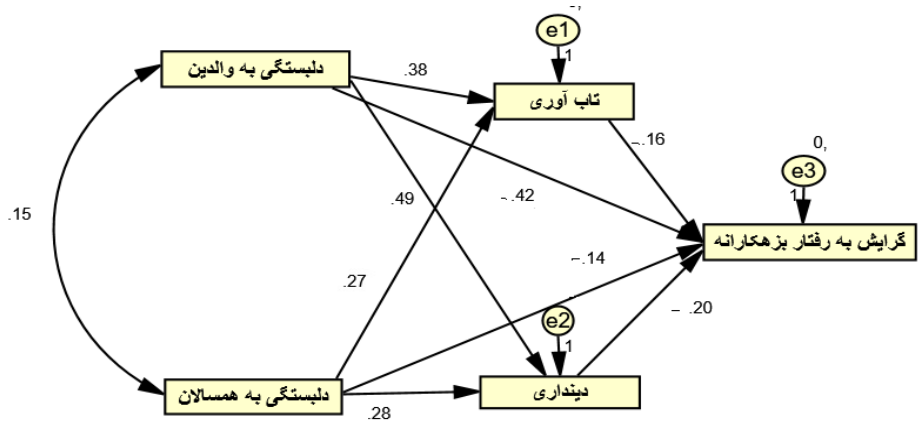

شکل ۱. مدل پژوهش

نتایج ضرایب مسیر در شکل ۱ بیانگر این است که مدل پیشنهادی در مجموع ۵۲٪ از واریانس گرایش به رفتار بزهکارانه را پیش بینی می کند. در ادامه در جدول ۲ نتایج اثرات مستقیم در مدل ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب مسیر مستقیم و معناداری سازه های مدل مفهومی پژوهش

مسیرها	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد	C.R	خطای استاندارد	سطح معنی‌داری
دلبستگی ایمن به والدین---> تاب آوری	۰/۳۸	۰/۴۷	۴/۲۷۲	۰/۱۱	۰/۰۱۲
دلبستگی ایمن به همسالان ---> تاب آوری	۰/۲۷	۰/۳۴	۲/۱۲۵	۰/۱۶	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن به والدین---> دینداری	۰/۴۹	۰/۵۹	۵/۹۱	۰/۱۰	۰/۰۰۰
دلبستگی ایمن به همسالان ---> دینداری	۰/۲۸	۰/۳۴	۲/۸۳	۰/۱۲	۰/۰۰۲
دلبستگی ایمن به والدین---> گرایش به رفتار بزهکارانه	-۰/۴۲	- ۰/۴۳	-۵/۳۷۵	۰/۰۸	۰/۰۰۳
تاب آوری ---> گرایش به رفتار بزهکارانه	-۰/۱۶	-۰/۲۰	-۲/۱۰	۰/۱۰	۰/۰۰۰
دینداری ---> گرایش به رفتار بزهکارانه	-۰/۲۰	-۰/۲۳	-۲/۰۹	۰/۱۱	۰/۰۰۰

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

نتایج جدول ۲ نشان داد که دلبستگی ایمن به والدین (β=۰/۳۸) و دلبستگی ایمن به همسالان (β=۰/۳۸) اثر مستقیم و معنادار بر تاب‌آوری داشت؛ دلبستگی ایمن به والدین (β=۰/۴۹) و دلبستگی ایمن به همسالان (β=۰/۲۸) اثر مستقیم و معنادار بر دینداری داشت. دلبستگی ایمن به والدین (β=-۰/۴۲)، تاب آوری (β=-۰/۱۶) و دینداری (β=-۰/۲۰) اثر مستقیم و معنادار بر گرایش به رفتار بزهکارانه داشت (P<۰/۰۵). با این حال، مسیر دلبستگی ایمن همسالان به گرایش به بزهکاری غیرمعنادار بود (P=۰/۴۰۵ ، β=۰/۱۴)، و در مدل نهایی حذف شد. در واقع نتایج دلالت بر این دارد که بین متغیرهای مدل اثر مستقیم و معنادار وجود داشت، در ادامه نتایج تحلیل میانجی در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. اثر میانجی تاب آوری و دینداری در رابطه بین دلبستگی ایمن به خانواده و همسالان با گرایش به رفتار بزهکارانه

مسیر	ضریب استاندارد	C.R	دامنه پایین	دامنه بالا	سطح معناداری
دلبستگی ایمن به والدین← تاب آوری← گرایش به رفتار بزهکارانه	-۰/۲۵۰۱	-۲/۳۷۱	-۰/۰۵۹۴	-۰/۳۴۳۴	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن به والدین← دینداری ← گرایش به رفتار بزهکارانه	-۰/۳۰۴۷	-۳/۵۸۲	-۰/۰۴۲۰	-۰/۱۲۱۵	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن به همسالان← تاب آوری← گرایش به رفتار بزهکارانه	-۰/۲۸۵۴	-۴/۷۱۴	-۰/۰۵۰۲	-۰/۱۴۷۴	۰/۰۰۱
دلبستگی ایمن به همسالان← دینداری ← گرایش به رفتار بزهکارانه	-۰/۳۱۰۲	-۵/۵۸۰	-۰/۰۲۴۵	-۰/۱۲۴۱	۰/۰۰۱

نتایج آزمون بوت‌استراپ در جدول ۳ نشان داد که تاب‌آوری در رابطه بین دلبستگی ایمن به والدین و گرایش به رفتار بزهکارانه (β=۰-۰/۲۵)، و همچنین بین دلبستگی ایمن همسالان و گرایش به رفتار بزهکارانه (β=۰-۰/۲۸)، نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵). همچنین نتایج نشان داد که دینداری در رابطه بین دلبستگی ایمن به والدین و گرایش به رفتار بزهکارانه (β =-۰/۳۰)، و بین دلبستگی ایمن به همسالان و گرایش به رفتار بزهکارانه (β =-۰/۳۱)، نقش میانجی داشت (P<۰/۰۵).

جدول ۴.شاخص‌های برازش

شاخص‌های برازش متغیر	χ^2	df	χ^2/df	GFI	AGFI	NFI	CFI	IFI	TLI	RMSEA
مدل پژوهش	۲/۹۱	۲	۱/۴۵	۰/۹۹۴	۰/۹۵۳	۰/۹۵۳	۰/۹۸۳	۰/۹۸۵	۰/۹۱۳	۰/۰۵
معیار تصمیم	P>۰/۰۵	-	<۵	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	>۰/۹	<۰/۰۸

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد، شاخص‌های برازندگی حاصل از تحلیل مسیر مدل مفهومی پژوهش از برازش مطلوب مدل پژوهشی با داده های گردآوری شده حمایت می کنند (χ^2/df=، ۱/۴۵، CFI=۰/۹۸۳ و RMSEA=۰/۰۵). بنابراین طبق دیدگاه هو و بنتلر[1] (۱۹۹۹) مقدار بزرگتر از ۰/۹۰ برای CFI و GFI و مقدار کوچکتر از ۰/۰۸ برای شاخص RMSEA بر برازش مطلوب الگوی مفروض با داده ها دلالت دارد. بر این اساس می توان گفت که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر بررسی نقش میانجی تاب‌آوری و دینداری در رابطه دلبستگی خانواده و همسالان با تمایل به بزهکاری دانش آموزان دختر بود. یکی از مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر، نقش برجسته دلبستگی ایمن به خانواده در کاهش گرایش به بزهکاری بود. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که دلبستگی به خانواده به‌صورت مستقیم و معناداری با گرایش به بزهکاری در دانش‌آموزان دختر رابطه

1. Hu & Bentler

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

منفی دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های منوچهری و همکاران (۲۰۲۵)، پرز و همکاران (۲۰۲۵) و جیانگ و همکاران (۲۰۲۵) همسو است و از منظر نظری در چارچوب نظریه دلبستگی بولبی (۱۹۸۸) و اینزورث (۱۹۷۹) قابل تبیین است. بر اساس این نظریه، دلبستگی ایمن به خانواده با ایجاد احساس امنیت هیجانی، زمینه درونی‌سازی خودکنترلی و تنظیم هیجان را فراهم می‌کند؛ سازوکارهایی که به‌طور مستقیم با کاهش رفتارهای پرخطر و بزهکارانه مرتبط‌اند. نوجوانانی که از پیوند عاطفی ایمن با خانواده برخوردارند، در مواجهه با فشارهای محیطی و اجتماعی، کمتر به رفتارهای ناسازگارانه متوسل می‌شوند، زیرا تصمیم‌گیری‌های آنان بیشتر مبتنی بر هنجارهای درونی‌شده و ارزیابی پیامدهای رفتار است (جیانگ و همکاران، ۲۰۲۵). در مقابل، ضعف در دلبستگی خانوادگی می‌تواند با کاهش این سازوکارهای درونی، زمینه گرایش به رفتارهای بزهکارانه را افزایش دهد (منوچهری و همکاران، ۲۰۲۵). در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نقش خانواده در کاهش بزهکاری نوجوانان، بیش از آنکه ناشی از کنترل بیرونی باشد، متکی بر کیفیت پیوند عاطفی و کارکردهای تنظیمی ناشی از دلبستگی ایمن است.

در ارتباط با دلبستگی به همسالان، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که این متغیر به‌طور مستقیم بر گرایش به بزهکاری اثر معناداری ندارد، اما از طریق تقویت یا تضعیف منابع درونی نوجوان، به‌ویژه تاب‌آوری و دینداری، نقش غیرمستقیم و تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند؛ یافته‌ای که با پژوهش‌های تریالت و همکاران (۲۰۲۴) و روسادو و آلمیدا (۲۰۲۵) همسو بوده و بر ماهیت دوگانه و زمینه‌مند روابط همسالان تأکید دارد. از منظر تبیینی، روابط همسالان برخلاف پیوندهای خانوادگی، ماهیتی سیال و وابسته به هنجارهای گروهی دارند و به همین دلیل، تأثیر آن‌ها بر رفتار نوجوان به کیفیت، جهت‌گیری ارزشی و کارکرد روان‌شناختی این روابط وابسته است (ذاکری هرندی و همکاران، ۲۰۲۴). زمانی که دلبستگی به همسالان در بستر روابط حمایتی، پذیرنده و ارزش‌مدار شکل می‌گیرد، می‌تواند از طریق افزایش تاب‌آوری، توانایی مقابله با فشارهای روانی و تنظیم هیجان را تقویت کرده و از مسیر تقویت دینداری، به درونی‌سازی هنجارهای اخلاقی و نظارت رفتاری بینجامد؛ در نتیجه، احتمال گرایش به رفتارهای بزهکارانه کاهش می‌یابد (روسادو و همکاران، ۲۰۲۵). در مقابل، در شرایطی که روابط همسالان فاقد پشتوانه ارزشی و تنظیم‌کننده باشند، حتی در صورت وجود پیوند عاطفی، می‌توانند نوجوان را در معرض هم‌نوایی با هنجارهای ناسازگار قرار دهند و کنترل درونی رفتار را تضعیف کنند. بدین‌ترتیب، فقدان اثر مستقیم دلبستگی به همسالان بر بزهکاری را می‌توان نشانه‌ای از نقش شرطی و میانجی‌محور این روابط دانست که تنها در تعامل با منابع درونی و نظام‌های ارزشی نوجوان معنا پیدا می‌کند و دیدگاه‌های ساده‌انگارانه درباره تأثیر مستقیم گروه همسالان بر بزهکاری را به‌طور جدی به چالش می‌کشد (تریالت و همکاران، ۲۰۲۴).

از میان متغیرهای میانجی، تاب‌آوری نقش محوری در مدل پژوهش ایفا کرد؛ یافته‌ای که با دیدگاه کانر و دیویدسون (۲۰۰۳) و پژوهش‌های اونگار و همکاران (۲۰۲۴)، تومیتائو و اونگوریانو (۲۰۲۴) و ماستن (۲۰۲۵) همسو است. تاب‌آوری به‌عنوان ظرفیت روان‌شناختی مقابله مؤثر با فشار و ناکامی، به نوجوان امکان می‌دهد تجربه‌های تنش‌زا را به فرصت‌های سازگارانه تبدیل کند. بر اساس دیدگاه ماستن (۲۰۲۵)، تاب‌آوری حاصل تعامل منابع فردی با حمایت‌های محیطی است؛ ازاین‌رو، روابط دلبستگی سالم در خانواده و همسالان، بستر شکل‌گیری این ظرفیت را فراهم می‌آورند. در این چارچوب، تاب‌آوری به‌عنوان سازه‌ای تنظیم‌کننده، با تقویت احساس کنترل، خودکارآمدی و انعطاف‌پذیری شناختی، از واکنش‌های تکانشی جلوگیری کرده و مسیر تأثیر عوامل زمینه‌ای بر بزهکاری را تعدیل می‌کند (کانر و دیویدسون، ۲۰۰۳). همچنین، اونگار و همکاران (۲۰۲۴) نشان می‌دهند که حمایت عاطفی پایدار، تنظیم هیجان و استفاده از راهبردهای مقابله‌ای سازگارانه را تسهیل می‌کند، و یافته‌های تومیتائو و اونگوریانو (۲۰۲۴) حاکی از آن است که نوجوانان تاب‌آور در بافت‌های حمایتگر، فشارهای محیطی را کمتر تهدیدآمیز ادراک می‌کنند. در مجموع، نتایج پژوهش حاضر تأیید می‌کند که حمایت‌های خانوادگی و اجتماعی نه به‌طور مستقیم، بلکه از طریق تقویت تاب‌آوری، به کاهش گرایش نوجوانان به بزهکاری منجر می‌شوند و تاب‌آوری را باید محصول تعامل فرد و بافت اجتماعی دانست، نه صرفاً یک ویژگی فردی.

دینداری به‌عنوان میانجی معنادار در مدل پژوهش شناسایی شد و نقش بازدارنده آن در برابر بزهکاری تأیید گردید. این یافته با پژوهش‌های منیر و مالک (۲۰۲۰)، سالادینو و همکاران (۲۰۲۴) و نوافور و همکاران (۲۰۲۴)، همسو بوده و از نظر نظری در چارچوب کوئنیگ (۲۰۱۲) قابل تبیین است. دینداری با فراهم آوردن نظامی از ارزش‌ها، معنا و نظارت اخلاقی، به تقویت خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری نوجوانان کمک می‌کند و سبب می‌شود رفتار خود را در چارچوب ارزش‌های درونی‌شده و نه صرفاً پیامدهای فوری ارزیابی کنند. بر اساس الگوی کوئنیگ (۲۰۱۲)، باورها و اعمال دینی با ایجاد احساس معنا، هدفمندی و پاسخ‌گویی اخلاقی، نوعی نظارت درونی پایدار را شکل می‌دهد که حتی در غیاب کنترل‌های بیرونی نیز رفتار را هدایت می‌کند. شواهد تجربی نشان می‌دهد نوجوانان متدین از

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

بازداری رفتاری و تعهد هنجاری بالاتری برخوردارند و در برابر فشار همسالان کمتر به رفتارهای بزهکارانه گرایش دارند (منیر و مالک، ۲۰۲۰). افزون بر این، آملیا و همکاران (۲۰۲۵) بر نقش دینداری در تقویت سرمایه اجتماعی و ایجاد شبکه‌های حمایتی و نظارتی غیررسمی تأکید می‌کنند. در مجموع، نقش میانجی دینداری در این پژوهش نشان می‌دهد که اثر عوامل زمینه‌ای بر بزهکاری نوجوانان، عمدتاً از مسیر درونی‌سازی ارزش‌های اخلاقی، تقویت خودکنترلی و افزایش پیوندهای اجتماعی معنادار منتقل می‌شود.

در جمع‌بندی نهایی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دلبستگی ایمن، تاب‌آوری و دینداری سه مؤلفه‌ی مکمل در تنظیم رفتار نوجوانان هستند. دلبستگی ایمن زیربنای امنیت هیجانی را فراهم می‌سازد، تاب‌آوری پیامد مستقیم این امنیت در سطح شناختی–هیجانی است، و دینداری سطح معنایی و ارزشی این فرآیند را تقویت می‌کند. تعامل این سه سازه، چارچوبی منسجم برای درک سازوکارهای محافظتی در برابر بزهکاری نوجوانان ارائه می‌دهد.

این مطالعه با محدودیت‌هایی متعددی مواجه بود که از جمله آن‌که نمونه‌ی مورد مطالعه صرفاً شامل دانش‌آموزان دختر شهر اهواز بود که این امر، تعمیم نتایج به سایر مناطق فرهنگی، اجتماعی و گروه‌های جنسیتی را با احتیاط همراه می‌سازد، همچنین ماهیت مقطعی و همبستگی پژوهش امکان استنباط روابط علّی دقیق میان متغیرها را محدود می‌کند و استفاده از ابزارهای خودگزارشی می‌تواند تحت تأثیر سوگیری پاسخ‌دهی اجتماعی قرار گرفته باشد؛ افزون بر این، برخی عوامل زمینه‌ای و فردی نظیر وضعیت اقتصادی–اجتماعی، کیفیت روابط خانوادگی، تجارب آسیب‌زا و ویژگی‌های شخصیتی در مدل حاضر بررسی نشدند، بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با بهره‌گیری از طرح‌های طولی و علی–مقایسه‌ای و با در نظر گرفتن متغیرهایی چون سرسختی روانی، سرمایه‌ی روان‌شناختی، تنظیم هیجان و تیپ‌های شخصیتی انجام شوند و دامنه‌ی نمونه به گروه‌های جنسیتی و بافت‌های فرهنگی متنوع‌تر گسترش یابد؛ در سطح کاربردی نیز، یافته‌ها ضرورت طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مدرسه‌محور با تمرکز بر تقویت دلبستگی ایمن، پرورش تاب‌آوری روان‌شناختی و تعمیق دینداری درونی و آگاهانه را نشان می‌دهد که می‌تواند به‌عنوان راهبردی پیشگیرانه در کاهش گرایش‌های بزهکارانه و ارتقای سلامت رفتاری نوجوانان، به‌ویژه دختران، مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

زاهد زاهدانی، س. س.، و الماسی، م. (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به رفتار بزهکارانه در میان حاشینه نشینان و غیر حاشیه نشینان. *فصلنامه دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، ۲(۳)، ۲۵- ۷۴.https://search.ricest.ac.ir/Inventory/16/69148.htm

سوره، ج؛ غلامحسن‌زاده، ف؛ و عبدی‌پور، ن. (۱۴۰۴). نقش میانجی تاب آوری روانشناختی در رابطه ترومای دوران کودکی با رفتارهای خود آسیبی غیرخودکشی در دانش آموزان مقطع متوسطه دوم. *نشریه مشاوره توانبخشی*، ۳، ۲۱۲-۲۰۰.https://jmr.uok.ac.ir/article_64252.html

صالح‌زاده، م؛ فلاحی، م.، و رحیمی، م. (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده، دلبستگی به همسالان و عملکرد تحصیلی در پیش‌بینی شادکامی دختران نوجوان. *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، ۲(۴)، ۶۵-۷۸.https://ppls.ui.ac.ir/article_21732.html

غایتی، م.، رضاخانی، س. (۱۴۰۱). نقش میانجی‌گر تاب‌آوری در رابطه بین نگرش دینی و منبع کنترل با بهزیستی روانشناختی در زنان سالمند. *رویش روان‌شناختی*، ۱۱(۹)، ۱۰۱-۹۱.URL: http://frooyesh.ir/article-1-3685-fa.html

کامگاری، م. (۱۳۹۱). *رابطه دلبستگی به والدین و همسالان با علاقه و عملکرد تحصیلی: بررسی نقش واسطه‌ای پرخاشگری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گرایش روانشناسی تربیتی*. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شیراز.https://elmnet.ir/doc/10532173-17281

Arslan, İ. Y. T., Arslan, M. N., & Korkut, M. (2025). From risk to resilience: Understanding and mitigating juvenile delinquency. *Journal of Forensic and Legal Medicine*, 102940. https://doi.org/10.1016/j.jflm.2025.102940

Conor, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new resilience scale:The Conor -Davidson Resilience Scale(CD - RISC). *Journal of Depression and Anexiety*, 18(2) , 76 -82. http://dx.doi.org/10.1002/da.10113

Fagan, J., Cabrera, N., & Kobulsky, J. (2025). Longitudinal associations between early risk and adolescent delinquency: Mediators, moderators, and main effects. *Development and psychopathology*, *37*(1), 192-206. DOI:10.1017/S0954579423001517

Freemon, K., Herrera, V. M., Cheon, H., & Katz, C. M. (2023). Family structure and delinquency in the English-speaking Caribbean: The moderating role of parental attachment, supervision, and commitment to negative peers. *Youth Violence and Juvenile Justice*, *21*(2), 149-171. DOI:10.1177/15412040221132192

Garver, M. S., & Mentzer, J. T. (1999). Logistics research methods: employing structural equation modeling to test for construct validity. Journal of business logistics, 20(1), 33. https://doi.org/10.1002/j.2158-1592.2008.tb00094.x

Guo, S. (2022). Cyberbullying and delinquency in adolescence: the potential mediating effects of social attachment and delinquent peer association. *Journal of interpersonal violence*, 37(19-20), NP18837-NP18864. DOI: 10.1177/08862605211040828

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]

High, M. T. (2025). Faith Amid Chaos: Does Religiosity Buffer Youth Delinquency in Disordered Neighborhoods?" (2025). Honors Undergraduate Theses. 234. https://stars.library.ucf.edu/hut2024/234

Jesline, J., Romate, J., Diya, E., & Rajkumar, E. (2025). Mediating role of resilience on the relationship between meta emotions and emotional regulation among neglected adolescents. *BMC psychology*, *13*(1), 622. DOI: 10.1186/s40359-025-02856-0

Jiang, X., Chen, X., Liang, B., & Liu, J. (2024). Family Attachment and Delinquency Among Chinese Adolescents: The Mediating Roles of Adolescent Self-Disclosure and Parental Knowledge. *Crime & Delinquency*, 00111287241276522. https://doi.org/10.1177/00111287241276522

Macanović, N. (2022). Resilience and juvenile delinquency: role of family. *Journal of Entrepreneurship and Business Resilience*, 5(1), 33-39. http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0

Manouchehri, M., Aljaberi, M. A., Lin, Y. C., Sabah, A., Lin, C. Y., Alduais, A., ... & Griffiths, M. D. (2025). The Mediating Role of Self-Control Between Parental Attachment and Adolescent Delinquency. *Deviant Behavior*, 1-15. https://doi.org/10.1080/01639625.2025.2537450

Manouchehri, M., Aljaberi, M. A., Lin, Y. C., Sabah, A., Lin, C. Y., Alduais, A., ... & Griffiths, M. D. (2025). The mediating role of self-control between parental attachment and adolescent delinquency. *Deviant Behavior*, 1-15. DOI:10.1080/01639625.2025.2537450

Munir, A., & Malik, J. A. (2020). Mediating role of religious orientation and moral character for the relationship between parent and peer attachment and delinquency. *Cogent Psychology*, *7*(1), 1761042. https://doi.org/10.1080/23311908.2020.1761042

Nwafor, C. E., Ugwu, P. C., Okoye, C. F. A., Obi-Nwosu, H., & Ofonedu, M. E. (2024). Religious coping and delinquent behaviors: Moderated mediation roles of religion affiliation and prosocial moral reasoning. *Journal of Research on Adolescence*, *34*(2), 272-280. DOI: 10.1111/jora.12967

Perez, A., Steele, M., Fonagy, P., Fearon, P., Segal, F., & Steele, H. (2025). Predictions of adolescents' responses to the Youth Self-Report from parental attachment interviews collected during pregnancy: a 17-year longitudinal study. *Attachment & Human Development*, *27*(2), 315-329. DOI: 10.1080/14616734.2024.2448916

Rosado, J. I., & Almeida, T. C. (2025). A study with adolescents with delinquent behavior: impact of juvenile victimization and resilience on empathy. *Estudos de Psicologia (Campinas)*, *42*, e210154. https://doi.org/10.1590/1982-0275202542e210154

Saladino, V., Fusco, A., Castellani, L., Calaresi, D., & Verrastro, V. (2025). Aggressive behavior among Italian justice-involved juveniles: The impact of attachment, discipline, and moral disengagement. *Psychology, Crime & Law*, *31*(5), 625-641. https://doi.org/10.1080/1068316X.2024.2303496

Saladino, V., Mosca, O., Cabras, C., Verrastro, V., & Lauriola, M. (2024). Family religiosity and climate: the protective role of personal interiorized religiosity in deviance propensity among justice-involved juveniles. *Frontiers in psychology*, *15*, 1197975. DOI:10.3389/fpsyg.2024.1197975

Sari, D., Setiawan, H. R., & Prasetia, I. (2025). Strategies of Islamic religious education teachers in addressing student delinquency in schools. *Jurnal Ilmu Pendidikan (JIP) STKIP Kusuma Negara*, *16*(2), 318-334. DOI:10.37640/jip.v16i2.2292

Therriault, D., Lemelin, J. P., Toupin, J., & Déry, M. (2024). Peer attachment in adolescence: What are the individual and relational associated factors?. *Social Development*, *33*(4), e12762. https://doi.org/10.1111/sode.12762

Tomita, M., & Ungureanu, R. (2024). Perspective Chapter: Resilience as a Process in Changing the Criminal Behavior of Young Offenders. In *Correctional Facilities-Policies, Practices, and Challenges*. IntechOpen. DOI:10.5772/intechopen.1004569

Ungar, M., Shahidi, M., Jefferies, P., Shojaee, M., & Clark, E. A. (2024). The mediating role of resilience and living in care on psychosocial outcomes. *Research on Social Work Practice*, *34*(7), 806-827. https://doi.org/10.1177/10497315231209490

Yang, J., Yang, Y., Zhang, L., & Tong, D. (2026). The relationship between parental technoference and malevolent creative behavior among adolescents: the mediating role of phubbing and the moderating role of mindfulness. *BMC psychology*. https://doi.org/10.1186/s40359-026-04037-z

Zakeri Harandi, T., Aghaei, E., & Darabi, S. (2024). Comparison of Identity Styles and Attachment Styles in Delinquent and Non-Delinquent Teenagers in Qom. *New Paradigms in Educational Research*, *3*(7), 51-68. http://www.jopre.ir/article_195217_en.html

[Downloaded from frooyesh.ir on 2026-10-27]